

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم، برخی از

مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا

آنها، خدا با او سخن می‌گفت، و بعضی را درجاتی برتر داد، و

عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

به عیسی بن مریم، نشانه‌های روشن دادیم، و او را با روح

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ

القدس تایید نمودیم، (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع

بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا

اختلاف امته‌ها نشد). و اگر خدا می‌خواست، کسانی که بعد از

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

آنها بودند، پس از آن همه نشانه‌های روشن که برای آنها آمد،

مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾

جنگ و ستیز نمی‌کردند، (اما خدا مردم را مجبور نساخته، و

آنها را در پیمودن راه سعادت، آزاد گذارده است)، ولی این

امته‌ها بودند که با هم اختلاف کردند، بعضی ایمان آوردند و

بعضی کافر شدند، (و جنگ و خونریزی بروز کرد). (۲۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم،

قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا

انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و

شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾

فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود

خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقت‌های مادی سودی دارد)،

و نه شفاعت، (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود). و

کافران، خود ستمگرند، (هم به خودشان ستم می‌کنند، هم به

دیگران). (۲۵۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات

وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند، هیچگاه

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا
 بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ
 مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
 الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾

خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد، (و لحظهای از
 تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند)، آنچه در آسمانها و آنچه
 در زمین است، از آن اوست، کیست که در نزد او، جز به فرمان
 او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت کنندگان، برای آنها
 که شایسته شفاعت اند، از مالکیت مطلقه او نمیکاهد). آنچه را
 در پیش روی آنها (بندگان) و پشت سرشان است می‌داند، (و
 گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است). و کسی از
 علم او آگاه نمی‌گردد، جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که
 به همه چیز آگاه است، و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی
 از علم بیپایان و نامحدود اوست). تخت (حکومت) او، آسمانها
 و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین)،
 او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص
 اوست. (٢٥٥)

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ
 فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ
 اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی،
 روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت (بت و شیطان،
 و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به
 دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن
 نیست. و خداوند، شنوا و داناست. (٢٥٦)

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ
 إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ
 يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ
 أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنها
 را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر
 شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند، که آنها را از نور، به سوی
 ظلمتها بیرون می‌برند، آنها اهل آتش اند و همیشه در آن

خواهند ماند. (۲۵۷)

آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی (نمرود) که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود، (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود)، هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند». او گفت: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشتبه ساختن بر مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از افق مشرق می‌آورد، (اگر راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی تویی،) خورشید را از مغرب بیاور!» (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم

ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۲۵۸)

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال می‌راند، سپس زنده کرد، و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز، یا بخشی از یک روز». فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچگونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک

أَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ
اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي
وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ
اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ
الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى
عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا
فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ
قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ
مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ
يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ
وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا
لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

چنین مواد فاسد شدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانهای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم، و گوشت بر آن می‌پوشانیم!« هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری توانا است». (۲۵۹)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده میکنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟!« عرض کرد: «آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد». فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن)، قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز)! سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می‌آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است، (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد)». (۲۶۰)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند، که در هر خوشه، یکصد دانه باشد، و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند، و خدا (از نظر قدرت و

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾

رحمت، وسیع، و (به همه چیز) داناست. (۲۶۱)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمیگذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است، و نه ترسی

دارند، و نه غمگین می‌شوند. (۲۶۲)

گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از خشونت‌های آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است، و خداوند، بینیز و بردبار است. (۲۶۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند، و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد، (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد، (و بذرهایی در آن افشانه شود)، و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند، و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند. (۲۶۴)

و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره‌گیرد)، و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است).

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبُورَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾

و خداوند به آنچه انجام می‌دهید (۲۶۵)

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه‌ای وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی (کوچک و) ضعیف دارد، (در این هنگام،) گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می‌کنند). این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد، شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را

بیابید)! (۲۶۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند،

بینیاز و شایسته ستایش است. (۲۶۷)

شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد، و به فحشا (و زشتیها) امر می‌کند، ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد، و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده‌های خود، وفا

أَيُّودُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ
وَأَعْنَابٍ بَجْرِيٍّ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ
كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ
فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا
كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا
تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ
إِلَّا أَنْ تُعْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ
وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾

می‌کند). (۲۶۸)

(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد، و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و)

متذکر نمی‌گردند. (۲۶۹)

و هر چیز را که انفاق می‌کنید، یا (اموالی را که) نذر کرده‌اید (در راه خدا انفاق کنید)، خداوند آنها را می‌داند. و ستمگران یاوری ندارند. (۲۷۰)

اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را میپوشاند، (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد). و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۲۷۱)

هدایت آنها (به طور اجبار)، بر تو نیست، (بنابراین، ترک انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست)، ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته بداند)، هدایت می‌کند. و آنچه را از خوبیها و اموال انفاق می‌کنید، برای خودتان است، (ولی) جز برای رضای خدا، انفاق نکنید! و آنچه از خوبیها انفاق می‌کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد. (۲۷۲)

(انفاق شما، مخصوصا باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند، (و توجه به آیین خدا، آنها را از

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسْكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ

أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا
يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْخَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ
اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾

وطنهای خویش آواره ساخته، و شرکت در میدان جهاد، به
آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تامین هزینه زندگی، دست به
کسب و تجارتي بزنند، نمی‌توانند مسافرتی کنند (و
سرمایه‌ای به دست آورند، و از شدت خویشتن داری، افراد
ناآگاه آنها را بینياز می‌پندارند، اما آنها را از چهره‌هایشان
می‌شناسی، و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این
است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید،
خداوند از آن آگاه است. (٢٧٣)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا
وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾
الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ
الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ
الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ
فَأَنْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ
فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾

آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق
می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر
آنهاست، و نه غمگین می‌شوند. (٢٧٤)
کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند
کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل
خود را حفظ کند، گاهی زمین می‌خورد، گاهی به پا
می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم
مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست). در حالی که خدا
بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار
است). و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از ربا خواری)
خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم
تحریم) به دست آورده، مال اوست، (و این حکم، گذشته را
شامل نمی‌گردد)، و کار او به خدا واگذار می‌شود، (و گذشته او
را خواهد بخشید). اما کسانی که باز گردند (و بار دیگر مرتکب

این گناه شوند)، اهل آتش اند؛ و همیشه در آن

میمانند. (۲۷۵)

خداوند، ربا را نابود می‌کند، و صدقات را افزایش می‌دهد؛ و
خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست
کُلِّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾

نمی‌دارد. (۲۷۶)

کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را بر
پا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان
است، و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند. (۲۷۷)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا به
پرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید، اگر

ایمان دارید! (۲۷۸)

اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار
خواهند کرد؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست
(اصل سرمایه، بدون سود)، نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم
فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَإِنْ تُبْتِئُوا فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ
وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۹﴾

وارد می‌شود. (۲۷۹)

و اگر (بدهکاری،) قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام
توانایی، مهلت دهید! (و در صورتی که به راستی قدرت
پرداخت را ندارد،) برای خدا به او ببخشید بهتر است، اگر
تَعْلَمُونَ ﴿۲۸۰﴾

(منافع این کار را) بدانید! (۲۸۰)

و از روزی به پرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به
سوی خدا باز می‌گردانند، سپس به هر کس، آنچه انجام داده،
به طور کامل باز پس داده می‌شود، و به آنها ستم نخواهد شد.
وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ
نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۲۸۱﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى
 أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ
 بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ
 اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ
 اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي
 عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ
 أَنْ يُمْلِئَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا
 شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ
 فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ
 تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا
 يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ
 تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ
 عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا
 أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ
 فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا
 تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ
 تَفَعَّلُوا فإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمْ
 اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

(چون هر چه می‌بینند، نتایج اعمال خودشان است.) (۲۸۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدت داری
 (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را
 بنویسید! و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان
 شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از
 نوشتن - همان طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند!
 پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا
 کند، و از خدا که پروردگار اوست به پرهیزد، و چیزی را
 فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا (از
 نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن)،
 توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او) با رعایت
 عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این
 حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از
 کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید!
 (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند، تا اگر یکی
 انحرافی یافت، دیگری به او یاد آوری کند. و شهود نباید به
 هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری
 نمایند! و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ،
 ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به
 عدالت نزدیک تر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای
 جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می‌باشد، مگر
 اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست

می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حَقگوئی،) زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا به پرهیزد و خداوند به شما تعلیم می‌دهد، خداوند به همه چیز داناست. (۲۸۲)

و اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد). و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را به موقع) بپردازد، و از خدایی که پروردگار اوست، به پرهیزد و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست. (۲۸۳)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. و (از این رو) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می‌کند. سپس هر کس را بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، می‌بخشد، و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد)، مجازات می‌کند. و خداوند به همه چیز قدرت دارد. (۲۸۴)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملا مومن می‌باشد).

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْهُ وَكُتِبَ وَرُسُلِهِ لَا

نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
عُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و
فرستادگانش، ایمان آورده‌اند، (و می‌گویند): ما در میان هیچ
یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم). و
(مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا!
(انتظار) آمرزش تو را (داریم)، و بازگشت (ما) به سوی

توست.» ﴿٢٨٥﴾

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ
وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا
أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا
حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا
لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا
أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایی اش، تکلیف نمی‌کند.
(انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده، و
هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان
می‌گویند): پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤ
اخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن
چنان که (به خاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما
بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم،
بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در
رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر
جمعیت کافران، پیروز گردان! ﴿٢٨٦﴾

سوره ۳: آل عمران

به نام خداوند رحمتگر مهربان

الم. (۱)

معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده،

نیست. (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ﴿١﴾

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ

يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٣﴾

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ

كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ

عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿٤﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

السَّمَاءِ ﴿٥﴾

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ

مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ رِيبٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ

مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ

تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ

آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو

الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با

نشانه‌های کتب پیشین، منطبق است، و تورات و انجیل را. (۳)

پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد، و (نیز) کتابی که حق

را از باطل مشخص می‌سازد، نازل کرد، کسانی که به آیات

خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند، و خداوند (برای کیفر

بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام است. (۴)

هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی‌ماند.

(بنابراین، تدبیر آنها بر او مشکل نیست). (۵)

او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آن چنان که

می‌خواهد تصویر می‌کند. معبودی جز خداوند عزیز و حکیم،

نیست. (۶)

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که

قسمتی از آن، آیات «محکم» (صریح و روشن) است، که

اساس این کتاب می‌باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات

دیگر، با مراجعه به اینها، بر طرف می‌گردد). و قسمتی از آن،

«متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و

جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود؛

ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می‌گردد). اما

آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند، تا

فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)، و تفسیر

(نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز

خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال فهم و

درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی)

می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم، همه از طرف

پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند (و این

حقیقت را درک نمی‌کنند). (۷)

(راسخان در علم، می‌گویند): پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از

آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از

سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای! (۸)

پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست،

جمع خواهی کرد، زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند.

(ما به تو و رحمت بی‌پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت

ایمان داریم). (۹)

ثروتها و فرزندان کسانی که کافر شدند، نمی‌تواند آنان را از

(عذاب) خداوند باز دارد، (و از کیفر، رهایی بخشد). و آنان

خود، آتشگیره دوزخند. (۱۰)

(عادت آنان در انکار و تحریف حقایق، همچون عادت آل

فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند، آیات ما را

تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت، و

خداوند، شدید العقاب است. (۱۱)

به آنها که کافر شدند بگو: (از پیروزی موقت خود در جنگ

احد، شاد نباشید! بزودی مغلوب خواهید شد، و (سپس در

رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد

جایگاهی است! (۱۲)

رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ

اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُعْجِبَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا

أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ

النَّارِ ﴿١٠﴾

كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا

بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ

الْعِقَابِ ﴿١١﴾

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَى

جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الَّتِي تَمَتَّا فِئَةٌ تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾

در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کرد، و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت)، در حالی که آنها (گروه مومنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد). و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بدانند)، با یاری خود، تایید می کند. در این، عبرتی است برای بینایان! (۱۳)

رُزِقَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿١٤﴾

محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است، (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند، ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است، و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. (۱۴)

قُلْ أَوْبِئْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟ برای کسانی که پرهیزکاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پای درختانش می گذرد، همیشه در آن خواهند بود، و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست. (۱۵)

همان کسانی که می گویند: پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم، پس

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾

گناهان ما را بیمارز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار! (۱۶)

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ

آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه،

وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾

استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و

(در راه او) انفاق می‌کنند، و در سحرگاهان، استغفار

می‌نمایند. (۱۷)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو

خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی،) گواهی می‌دهد که

الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

معبودی جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام

الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

به گونه‌های بر این مطلب،) گواهی می‌دهند، در حالی که

(خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد، معبودی جز او

نیست، که هم توانا و هم حکیم است. (۱۸)

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن)

الْعِلْمِ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ

ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و

اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

ستم در میان خود، و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا

به حساب او می‌رسد، زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (۱۹)

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنْ

اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن! و)

اتَّبَعَنِي وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ

بگو: من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم

أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا

شده‌ایم. و به آنها که اهل کتاب هستند (یهود و نصاری) و

فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ

بیسوادان (مشرکان) بگو: آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر (در

بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾

برابر فرمان و منطق حق،) تسلیم شوند، هدایت می‌یابند، و اگر

سرپیچی کنند، (نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت)

است، و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست. (۲۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ
بِعَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ
النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾
أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را
بناحق می‌کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می‌کنند
به قتل می‌رسانند، به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده! (۲۱)
آنها کسانی هستند که اعمال (نیکشان، به خاطر این گناهان
بزرگ)، در دنیا و آخرت تباه شده، و یاور و مددکار (و شفاعت
کننده‌ای) ندارند. (۲۲)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ
يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ
يَتَوَلَّوْا فَرِيقًا مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به
سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند،
سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی،) روی میگردانند، در
حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟ (۲۳)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا
مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا
يَفْتُرُونَ ﴿٢٤﴾

این عمل آنها، به خاطر آن است که می‌گفتند: «آتش (دوزخ)،
جز چند روزی به ما نمی‌رسد. (و کیفر ما، به خاطر امتیازی
که بر اقوام دیگر داریم، بسیار محدود است.» این افترا (و
دروغی که به خدا بسته بودند)، آنها را در دینشان مغرور
ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (۲۴)

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ
كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾

پس چگونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای روزی که
شکی در آن نیست (روز رستاخیز) جمع کنیم، و به هر کس،
آنچه (از اعمال برای خود) فراهم کرده، بطور کامل داده شود؟
و به آنها ستم نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود را
می‌چینند). (۲۵)

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ
تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ

بگو: «بار الها! مالک حکومتها تویی، به هر کس بخواهی،
حکومت می‌بخشی، و از هر کس بخواهی، حکومت را

وَتُنذِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾

می‌گیری، هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی، و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبیها به دست توست، تو بر هر چیزی قادری. (۲۶)

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾
لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾

شب را در روز داخل می‌کنی، و روز را در شب، و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده، و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می‌بخشی. (۲۷)

افراد با ایمان نباید به جای مومنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود)، مگر اینکه از آنها به پرهیزد (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد، و بازگشت (شما) به سوی خداست. (۲۸)

بگو: اگر آنچه را در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند، و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می‌باشد، و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۹)

قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می‌بیند، و آرزو می‌کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، بر حذر می‌دارد، و (در عین حال)، خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است. (۳۰)

يَوْمَ بَدَّدْتُ كُلَّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾

بگو: اگر خدا را دوست میدارید، از من پیروی کنید! تا خدا

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ

وَيَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

(نیز) شما را دوست بدارد، و گناهانتان را ببخشد، و خدا

رَحِيمٌ ﴿٣١﴾

آمرزنده مهربان است. (۳۱)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا

بگو: از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید،

يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾

خداوند کافران را دوست نمیدارد. (۳۲)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان

عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾

برتری داد. (۳۳)

ذُرِّيَّةَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ

آنها فرزندان (و دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و

عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾

فضیلت)، بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند، و خداوند،

شنوا و داناست (و از کوششهای آنها در مسیر رسالت خود،

آگاه می‌باشد). (۳۴)

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ

(به یاد آورید) هنگامی را که همسر عمران گفت: خداوندا!

مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ

آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که محرر (و آزاد،

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾

برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و

دانایی! (۳۵)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ

ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت)، گفت:

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ

خداوندا! من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا

وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّתَهَا

آورده بود، آگاهتر بود - و پسر، همانند دختر نیست. (دختر

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾

نمی‌تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد).

من او را مریم نام گذاردم، و او و فرزندان او را از (وسوسه‌های)

شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم. (۳۶)

خداوند، او (مریم) را به طرز نیکی‌ی پذیرفت، و به طرز

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا

شایسته‌های، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)، و کفالت

حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا

الْمِحْرَابِ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى
لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ
مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

او را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد،
غذای مخصوصی در آن جا میدید. از او پرسید: ای مریم! «این
را از کجا آورده‌ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به
هر کس بخواهد، بیحساب روزی می‌دهد». (۳۷)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾

در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در
مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوندا! از
طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا
را میشنوی! (۳۸)

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي
الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا
بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ
الصَّالِحِينَ ﴿٣٩﴾

و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود،
فرشتگان او را صدا زدند که: خدا تو را به یحیی بشارت
می‌دهد، (کسی) که کلمه خدا (مسیح) را تصدیق می‌کند، و
رهبر خواهد بود، و از هوسهای سرکش بر کنار، و پیامبری از
صالحان است. (۳۹)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ
وَأَمْرَاتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا
يَشَاءُ ﴿٤٠﴾

او عرض کرد: پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من
باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم نازاست
؟ فرمود: بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام
می‌دهد. (۴۰)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ
النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَادُّكُرَ رَبِّكَ كَثِيرًا
وَسَبَّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِنْبَارِ ﴿٤١﴾

(زکریا) عرض کرد: پروردگارا! نشانهای برای من قرار ده! گفت:
نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم
سخن نخواهی گفت. (و زبان تو، بدون هیچ علت ظاهری، برای
گفتگو با مردم از کار می‌افتد). پروردگار خود را (به شکرانه
این نعمت بزرگ،) بسیار یاد کن! و به هنگام صبح و شام، او را

تسبیح بگو! (۴۱)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته، و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. (۴۲)

ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن! (۴۳)
(ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم، و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه کشی) به آب می‌افکندند تا کدامیک کفالت و سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که (دانشمندان بنی اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او)، با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی، (و همه اینها، از راه وحی به تو گفته شد). (۴۴)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌های (وجود با عظمتی) از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است، در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود، و از مقربان (الهی) است. (۴۵)

و با مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میان سال شدن) سخن خواهد گفت، و از شایستگان است. (۴۶)

(مریم) گفت: پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نگرفته است؟! فرمود:

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا

فَأَمَّا يُقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٢٧﴾

خداوند، اینگونه هر چه را خواهد می‌آفریند! هنگامی که چیزی را مقرر دارد (و فرمان هستی آن را صادر کند)، فقط به آن می‌گوید: موجود باش! آن نیز فوراً موجود می‌شود. (۴۷)

و به او، کتاب و دانش و تورات و انجیل، می‌آموزد. (۴۸)

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ

وَالْإِنْجِيلَ ﴿٢٨﴾

و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می‌گوید): من نشانهای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام، من از گل، چیزی به شکل پرند می‌سازم، سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرندهای می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص (پیسی) را بهبودی می‌بخشم، و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم، و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم، مسلماً در اینها، نشانهای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید! (۴۹)

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِن كُنتُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾

و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می‌کنم، و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه، بر شما حرام شده، مانند گوشت بعضی از چهار پایان و ماهیها)، حلال کنم، و نشانهای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام، پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید! (۵۰)

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِلَّ

لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ

مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

﴿٥٠﴾

خداوند، پروردگار من و شماست، او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)! این است راه راست! (۵۱)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ

مُسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد،

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ

أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِثُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ
اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

گفت: کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او)
گردد؟ خواریان (شاگردان مخصوص او) گفتند: ما یاوران
خداییم، به خدا ایمان آوردیم، و تو (نیز) گواه باش که ما
اسلام آورده‌ایم. (۵۲)

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾
وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ
الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾

پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده
(تو) پیروی نمودیم، ما را در زمره گواهان بنویس! (۵۳)
و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش)، نقشه
کشیدند، و خداوند (بر حفظ او و آیینش)، چاره جویی کرد، و
خداوند، بهترین چاره جویان است. (۵۴)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَرَافِعَكَ
إِلَيَّ وَمُطَهَّرَكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلِ الَّذِينَ
اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ
إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ
تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾

(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را بر
میگیرم و به سوی خود، بالا میبرم و تو را از کسانی که کافر
شدند، پاک میسازم، و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز
رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار میدهم، سپس
بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه
اختلاف داشتید، داوری میکنم. (۵۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٦﴾

اما آنها که کافر شدند، (و پس از شناختن حق، آن را انکار
کردند)، در دنیا و آخرت، آنان را مجازات دردناکی خواهیم کرد،
و برای آنها، یاورانی نیست. (۵۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ
أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾

اما آنها که ایمان آوردند، و اعمال صالح انجام دادند، خداوند
پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد، و خداوند، ستمکاران را
دوست نمیدارد. (۵۷)

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ

اینها را که بر تو می‌خوانیم، از نشانه‌ها (ی حقانیت تو) است، و

الحَكِيم ﴿٥٨﴾

یادآوری حکیمانه است. (٥٨)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾

مثل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است، که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد. (بنابراین، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست). (٥٩)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ

الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾

اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو، بنابراین، از تردید کنندگان مباش! (٦٠)

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (٦١)

إِنَّ هَذَا هُوَ الْقِصْصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾

این همان سرگذشت واقعی (مسیح) است. (و ادعاهایی همچون الوهیت او، یا فرزند خدا بودنش، بیاساس است). و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست، و خداوند توانا و حکیم است. (٦٢)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾

اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی گردانند، (بدان که طالب حق نیستند، و) خداوند از مفسدهجویان، آگاه است. (٦٣)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را

شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ
اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا

مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا
أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا

تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾

همتای او قرار ندهیم، و بعضی از ما، بعض دیگر را - غیر از
خدای یگانه - به خدایی نپذیرد. هر گاه (از این دعوت)، سرباز
زنند، بگویند: گواه باشید که ما مسلمانیم! (۶۴)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتگو و نزاع می کنید (و هر
کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی مینمایید)؟! در حالی که
تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است؟ آیا اندیشه
نمیکنید؟! (۶۵)

شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید،
گفتگو و ستیز کردید، چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو
می کنید؟! و خدا می داند، و شما نمیدانید. (۶۶)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه موحدی خالص و
مسلمان بود، و هرگز از مشرکان نبود. (۶۷)

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ
فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ
كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ

الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا
النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾

سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی
کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند،
همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده اند (از
همه سزاوارترند)، و خداوند، ولی و سرپرست مؤمنان
است. (۶۸)

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو
می کردند) شما را گمراه کنند، (اما آنها باید بدانند که
نمی توانند شما را گمراه سازند)، آنها گمراه نمی کنند مگر
خودشان را، و نمیفهمند! (۶۹)

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ
وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا

يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ
تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می شوید، در حالی که
(به درستی آن) گواهی می دهید؟! (۷۰)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ
وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می آمیزید و) مشتبه می
کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده
می دارید در حالی که می دانید؟! (۷۱)

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي
أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا
آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾

و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به
آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید، و در
پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)! شاید آنها (از آیین خود)
باز گردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی
پیشین می دانند، و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل
سازد). (۷۲)

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى
هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ
يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

و جز به کسی که از آیین شما پیروی می کند، (واقعا) ایمان
نیاورید! بگو: هدایت، هدایت الهی است! (و این توطئه شما، در
برابر آن بی اثر است)! (سپس اضافه کردند: تصور نکنید) به
کسی همانند شما (کتاب آسمانی) داده می شود، یا اینکه
می توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو کنند،
(بلکه نبوت و منطق، هر دو نزد شماست!) بگو: فضل (و
موهبت نبوت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست، بلکه)
به دست خداست، و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند)،
می دهد، و خداوند، واسع (دارای مواهب گسترده) و آگاه (از
موارد شایسته آن) است. (۷۳)

يُخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می کند، و خداوند، دارای

الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

مواهب عظیم است. (٧٤)

و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز میگردانند، و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمیگردانند، مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی! این به خاطر آن است که می‌گویند: ما در برابر امیین (غیر یهود)، مسؤوول نیستیم. و بر خدا دروغ می‌بندند، در حالی که می‌دانند (این سخن دروغ است). (٧٥)

آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد، زیرا) خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. (٧٦)

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقُنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾

کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنها بهره‌های در آخرت نخواهند داشت، و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد، و عذاب دردناکی برای آنهاست. (٧٧)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ ﴿٧٧﴾

در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنی (آنچه را می‌خوانند)، از کتاب (خدا) است، در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: آن از طرف خداست! با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند! (٧٨)

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ

يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
وَالنَّبُوءَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ
دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّائِيَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ
الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و
حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا،
مرا پرستش کنید! بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید):
مردمی الهی باشید، آن گونه که کتاب خدا را می‌آموختید و
درس می‌خواندید! (و غیر از خدا را پرستش نکنید!) (٧٩)
و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را،
پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان
شدید، به کفر دعوت می‌کند؟! (٨٠)

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ
أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ
مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و
پیروان آنها)، پیمان موکد گرفت، که هر گاه کتاب و دانش به
شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با
شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری
کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: آیا به این موضوع، اقرار
دارید؟ و بر آن، پیمان موکد بستید؟ گفتند: (آری) اقرار داریم!
(خداوند به آنها) گفت: پس گواه باشید! و من نیز با شما از
گواهانم. (٨١)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ
كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا
مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ
وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ
فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾

پس کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند، فاسق
است. (٨٢)

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾

آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین اسلام
است،) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی
اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیم اند، و همه
به سوی او باز گردانده می‌شوند. (٨٣)

أَفَعَبَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ
يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَيَّ

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ

مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

بگو: به خدا ایمان آوردیم، و (همچنین) به آنچه بر ما و بر

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده، و

آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف

پروردگارشان داده شده است، ما در میان هیچ یک از آنان

فرقی نمی‌گذاریم، و در برابر (فرمان) او تسلیم هستیم. (۸۴)

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی

برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد، و او در

آخرت، از زیانکاران است. (۸۵)

چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و

گواهی به حقانیت رسول و آمدن نشانه‌های روشن برای آنها،

کافر شدند؟! و خدا، جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد

کرد! (۸۶)

کیفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و

مردم همگی بر آنهاست. (۸۷)

همواره در این لعن (و طرد و نفرین) میمانند، مجازاتشان

تخفیف نمییابد، و به آنها مهلت داده نمی‌شود. (۸۸)

مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند، (و در

مقام جبران گناهان گذشته برآیند، که توبه آنها پذیرفته

خواهد شد)، زیرا خداوند، آمرزنده و بخشنده است. (۸۹)

کسانی که پس از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر (خود)

افزودند، (و در این راه اصرار ورزیدند)، هیچگاه توبه آنان، (که

از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می‌گیرد)، قبول

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ

وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ

وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا

هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ

اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ اذْدَابُوا كُفْرًا لَنْ

تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾

نمی‌شود، و آنها گمراهان (واقعی) اند (چرا که هم راه خدا را

گم کرده‌اند، و هم راه توبه را!). (۹۰)

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه در

روی زمین پر از طلا باشد، و آن را به عنوان فدیة (و کفاره

اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها قبول

نخواهد شد، و برای آنان، مجازات دردناک است، و یاورانی

ندارند. (۹۱)

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه

دوست می‌دارید (در راه خدا) انفاق کنید، و آنچه انفاق

می‌کنید خداوند از آن با خبر است. (۹۲)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُّقْبَلَ
مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ

نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾